



The Feasibility of Developing an International Commercial Arbitration Law for Iraq in Light of the Iranian Experience

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/clr.2026.118923.82807

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Hamzah Naji Chfat

<https://orcid.org/0000-0003-3609-7644>

Sattar Azizi*

<https://orcid.org/0000-0003-3609-7644>

Affiliation:

¹ Ph.D Candidate in Private Law,
Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina
University, Hamedan, Iran

² Professor in International Law,
Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina
University, Hamedan, Iran

Correspondence:

Email: s.azizi@basu.ac.ir

Article History:

Received: 2026/11/22

Received in Revised form: 2026/07/03

Accepted: 2026/07/25

Abstract

The Iranian International Commercial Arbitration Law was enacted by the Islamic Consultative Assembly in 1997. This law is based on the UNCITRAL Model Law with some minor changes. The Iranian government joined the New York Convention in 2001 to participate in the system of recognition and enforcement of foreign arbitral awards, which was a step towards the enhanced effectiveness of its international commercial arbitration law. The Iraqi government also ratified the New York Convention in 2021, but the International Commercial Arbitration Law has not yet been enacted by the country's parliament. The research method is analytical-descriptive, and the method of collecting information is library-based sources. The main question of this article is: Given the membership of both governments in the New York Convention, to what extent can Iran's international commercial arbitration law be used to develop a similar law for Iraq? The authors hypothesize that, in principle, the Iraqi legislator can benefit from the experience of the Iranian legislator in this regard, especially to avoid some of the shortcomings of the current Iranian law, such as relying on nationality as a criterion for the internationality of arbitration, and to use some of the strengths of this law in matters related to the appointment of arbitrators.

Keywords: UNCITRAL Model Law, Iranian International Commercial Arbitration Law, New York Convention, Criteria for Defining International Arbitration.





پیشنهاد تدوین قانون دآوری تجاری بین‌المللی عراق با الگوبرداری از قانون نمونه آنسیترال و نظام حقوقی ایران

حمزه ناجی جفات^۱، ستار عزیزی^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استاد، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۱۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲

چکیده

قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران در سال ۱۹۹۷ میلادی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون با اعمال برخی تغییرات جزئی از قانون نمونه آنسیترال اقتباس شده است. دولت ایران به منظور مشارکت در نظام شناسایی و اجرای آرای دآوری خارجی در سال ۲۰۰۱ به کنوانسیون نیویورک ملحق شد که اقدامی در جهت اثرگذاری بهینه قانون دآوری تجاری بین‌المللی خود بود. دولت عراق نیز در سال ۲۰۲۱ کنوانسیون نیویورک را تصویب کرده، اما تاکنون قانون دآوری تجاری بین‌المللی به تصویب پارلمان آن کشور نرسیده است. روش بررسی این پژوهش، تحلیلی - توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات با ابزار کتابخانه‌ای است. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که «با توجه به عضویت هر دو دولت در کنوانسیون نیویورک تا چه میزان می‌توان از قانون دآوری تجاری بین‌المللی ایران برای تدوین قانون مشابه برای کشور عراق استفاده کرد؟». فرضیه نویسندگان مقاله آن است که علی‌الاصول قانون‌گذار عراقی می‌تواند از تجربه قانون‌گذار ایرانی و قانون نمونه آنسیترال در این ارتباط استفاده کند، به‌ویژه آنکه از برخی نقائص قانون فعلی ایران، مانند تکیه بر تابعیت، به‌عنوان معیار

Email: s.azizi@basu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازتشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



بین‌المللی بودن داوری، احتراز نماید و از برخی نقاط قوت این قانون در مسائل مربوط به تعیین داوران استفاده کند.

واژگان کلیدی: قانون نمونه آنسیترال، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، کنوانسیون نیویورک، معیارهای تعریف داوری بین‌المللی.

۱. مقدمه

داوری نوعی نظام خصوصی قضاوت است. طرفین داوری اشخاصی هستند که تصمیم گرفته‌اند اختلافشان را خارج از هر نظام قضائی به داوری ارجاع دهند. فراگیری رو به تزاید و توسعه بازرگانی و تجارت بین‌المللی و روابط حقوقی ناشی از این روابط تجاری، پدیدآور اختلافاتی است که بنا به ماهیت خاص این نوع روابط، بایسته است تا با سرعت تجارت و با رعایت اصول محرمانگی و تخصص بایسته، حل‌وفصل شوند (Zekos, 2008: 9). حتی هزینه‌های داوری نسبت به رسیدگی‌های قضایی می‌تواند کمتر باشد (Noussia, 2010: 20). طرفین اختلاف می‌توانند تصمیم بگیرند که داوری از سوی سازمان داوری بین‌المللی انجام شود یا داوران موردی و مورد اخیر به این معنا است که هیچ سازمان یا مؤسسه‌ای در امر داوری علی‌الاصول دخالت نمی‌کند، اما اگر امر داوری به داوری سازمانی ارجاع شود، مراجع داوری سازمانی متعددی، از جمله اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و دیوان داوری بین‌المللی لندن (LCIA) یا در کشور ایران، مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران (ACIC) و مرکز منطقه‌ای داوری تهران (TRAC) و در کشور عراق (مرکز التحکیم التجاري الدولي - النجف الأشرف) وجود دارند که بر اساس قوانین داوری سازمانی، امور مربوط به داوری را اداره می‌کنند.

داوری به طرفین، اختیار قابل‌توجهی بر کنترل آیین رسیدگی حاکم بر حل‌وفصل اختلافاتشان می‌دهد. این مسئله به‌ویژه در داوری‌های تجاری بین‌المللی اهمیت دارد؛ زیرا طرفین نمی‌خواهند رسیدگی به حل‌وفصل اختلافاتشان در دادگاه‌های کشور طرف مقابل انجام



شود، چراکه در قراردادهای تجاری بین‌المللی، طرف تجاری خارجی، به‌ویژه در مواردی که با شخص حقوق عمومی در کشور میزبان قرار دارد، از این نکته در هراس است که طرف دیگر از «مزایای دادگاه‌های محلی»^۱ برخوردار شود (Moses, 2008: 1). بر همین اساس، رسیدگی به این نوع اختلافات، به جای مراجع ملی قضایی که ممکن است نسبت به یکی از اصحاب قرارداد، همسانی تابعیت یا هم‌سویی منافع ملی داشته باشند؛ موجب شده است تا به داوری بین‌المللی اقبال نشان دهند. همین مصالح و منافع باعث شده است تا دولت‌ها در خصوص «شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی» نسبت به آرای خارجی محاکم قضایی، اقبال بیشتری نشان دهند. برای مثال «کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای قضایی خارجی در امور مدنی یا تجاری»^۲ در سال ۲۰۱۹ در هلند تدوین گردیده و از تاریخ اول سپتامبر ۲۰۲۳ لازم‌الاجرا شده است، اما تاکنون تنها شش کشور آن را تصویب کرده‌اند. در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، کنوانسیون بین‌المللی با عنوان «شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک مصوب ۱۹۵۸» (از این پس، کنوانسیون نیویورک) وجود دارد که تا تاریخ اول ژانویه ۲۰۲۶ تعداد ۱۷۲ دولت به آن پیوسته‌اند.^۳ درواقع، تنها یک دهم از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به عضویت کنوانسیون نیویورک درنیامده‌اند. دولت‌های ایران و عراق، به‌ترتیب، در تاریخ‌های ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ و ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱ به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. بنابراین تعداد دول عضو کنوانسیون لاهه قابل‌مقایسه با کنوانسیون نیویورک نیست.

مزیت مهم عضویت در کنوانسیون برای اصحاب یک دعوی تجاری بین‌المللی که مراجعه به داوری در قراردادهای درج شده باشد، آن است که شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی به مثابه تعهدی معاهداتی به شمار می‌رود که عدم رعایت آن تعهد، مستلزم ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت ناقض تعهد است. از این‌رو، دولت‌های عضو کنوانسیون نیویورک، تعهد

1. home court advantage

2. Convention on the recognition and enforcement of foreign judgments in civil or commercial matters

3. <https://www.newyorkconvention.org/countries>



بین‌المللی قراردادی برای اجرای آرای داوری بر ذمه دارند، مضاف بر آنکه «با شناسایی و اجرای رأی داوری، رای مذکور به جزئی از نظام حقوقی ملی کشور محل درخواست تبدیل می‌شود» (مافی و اسحق، ۱۴۰۲: ۱۵۵).

با توجه به مصالح گفته‌شده، تدوین قوانین ملی معطوف به داوری بین‌المللی توسط دولت‌های عضو کنوانسیون نیویورک بایسته است. بررسی نویسندگان مقاله نشان می‌دهد که در کشورهای ایران و عراق هیچ پژوهش مستقلی با تمرکز بر «مطالعه تطبیقی تدوین قانون داوری تجاری بین‌المللی برای کشور عراق بر اساس قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب دولت جمهوری اسلامی ایران» انجام نشده و هیچ مقاله، کتاب یا رساله‌ای، به‌طور خاص، این موضوع را بررسی نکرده است. آثار چندی در خصوص تفسیر و توضیح قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶ شمسی) منتشر شده است که مهم‌ترین آن‌ها، کتاب نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی نوشته لعیان جنیدی است، اما تاکنون هیچ مقاله تطبیقی با تمرکز بر تدوین قانون داوری تجاری بین‌المللی برای راهنمایی قانون‌گذار عراقی در این موضوع در هیچ‌کدام از کشورهای ایران و عراق منتشر نشده است.

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی، معاهدات بین‌المللی، ازجمله کنوانسیون نیویورک، قانون نمونه آنسیترال و قوانین داخلی داوری دولت‌های ایران و عراق، به‌ویژه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و سایر اسناد مرتبط با موضوع جمع‌آوری شده است.

در گفتار اول این مقاله، چالش‌های نظام داوری عراق در سازگاری و انطباق با اصول و مقررات داوری‌های بین‌المللی بیان شده است. سپس در گفتار دوم مقاله، ضمن استقبال نسبت به الگوگیری از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، معایب و نقایص این قانون توضیح داده شده تا قانون‌گذار عراقی ضمن پرهیز از این اشتباهات، قانون داوری تجاری بین‌المللی مطلوبی را تصویب نماید.



۲. گفتار اول: چالش‌های نظام داورى عراق در سازگارى و انطباق با اصول و مقررات

داورى‌های بین‌المللى

فصل دوم قانون آیین دادرسی مدنى عراق (قانون شماره ۸۳ مصوب سال ۱۹۶۹) تحت عنوان «داورى» (التحكيم)، مواد ۲۵۱ تا ۲۷۶ را به موضوع داورى اختصاص داده است. اما اين قانون، دامنه داورى را تعريف نکرده است. درواقع، اين قانون بين آراى داخلى و خارجى يا بين‌المللى تمایزى قائل نمى‌شود. با اين حال، در مورد آراى داورى خارجى به‌طورکلى، مفاد قانون مربوط به اجراى احکام قضايى خارجى اعمال مى‌شود (Najjar, 2017: 112).

چالش‌های متعددى در نظام فعلى داورى عراق قابل‌مشاهده است که ریشه در ساختار حقوقى اين کشور، تعامل ميان نظام قضايى و داورى و ميزان تطبيق قوانين داخلى با اصول و استانداردهای بین‌المللى دارد. درواقع، عدم انطباق قوانين داخلى داورى عراق با اصول و قواعد داورى بین‌المللى، ازجمله با پذيرش مداخله بسيار وسيع مراجع قضايى در رأى داورى، مانع جدى در مسير توسعه داورى در عراق ايجاد کرده است. براى مثال ماده ۲۷۴ قانون آئين دادرسی مدنى عراق چنين مقرر مى‌دارد: «دادگاه مى‌تواند رأى داورى را کلاً يا جزئاً تاييد يا ابطال کند و در صورت ابطال کلى يا جزئى، مى‌تواند پرونده را جهت اصلاح رأى به داوران بازگرداند يا چنانچه پرونده مُعَدَّ صدور رأى باشد، خود در ماهيت اختلاف رأى دهد». نظام داورى عراق در حال حاضر با چالش‌های متعددى در تطبيق با اصول داورى بین‌المللى مواجه است. يکى از مهم‌ترين چالش‌ها، عدم هماهنگى ميان قوانين داخلى و استانداردهای پذيرفته‌شده بین‌المللى در زمينه داورى است. داورى، به‌عنوان يکى از روش‌های جايگزين براى حل اختلافات تجارى بین‌المللى، نيازمند سيستم حقوقى سازگار و شفافى است که بتواند هم‌زمان با حمايت از استقلال داوران، اجراى احکام داورى را نيز تضمين کند. با اين حال، قوانين داخلى عراق، ازجمله قانون آئين دادرسی مدنى (از اين به بعد آ.د.م.ع) همچنان بسيارى از رويه‌های سنتى دادرسی را بر روند داورى تحميل کرده و نقش گسترده‌ای براى دادگاه‌های ملی در اين فرآيند قائل شده است (حاتم الحسن، ۲۰۱۰: ۱۷۳).

علاوه‌بر چالش‌های قانونى، مسائل اجرايى نيز مانعى جدى در مسير توسعه داورى در



عراق به شمار می‌روند. نبودِ نهادهای داوری مستقل و کارآمد در سطح ملی، ضعف در آموزش داوران و نبود داوران متخصص در داورهای بین‌المللی، از مهم‌ترین مشکلات اجرایی محسوب می‌شوند. رویه‌های متناقض دادگاه‌های عراق در برخورد با توافق‌نامه‌های داوری، از یک‌سو موجب افزایش سردرگمی حقوقی شده و سبب کاهش اطمینان فعالان اقتصادی بین‌المللی به سازوکارهای داوری در این کشور شده است.

۱-۲. نظارت گسترده دادگاه‌های ملی بر آرای داوری و امکان ابطال آن‌ها

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای قانون داوری در عراق، نظارت گسترده دادگاه‌های ملی بر آرای داوری و امکان ابطال آن‌ها است. اختیارات گسترده دادگاه‌های عراق در حوزه داوری، تمایل طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی به انتخاب داوری در این کشور را کاهش داده است. سرمایه‌گذاران خارجی به دنبال فرآیند مستقل و نهایی داوری هستند، نه سیستمی که تصمیم‌گیری نهایی به دادگاه‌های ملی واگذار شود (الدوری، ۱۹۸۵: ۱۵۰). در بسیاری از کشورها از جمله در مصر و لبنان، دادگاه‌ها تنها در موارد خاص (قابلیت‌پذیری داوری، تخلف آشکار از دادرسی مانند عدم بی‌طرفی داوران، اطلاع‌رسانی مناسب یا مغایرت با نظم عمومی) رأی داوری را بررسی می‌کنند (العجیلی، ۲۰۱۲: ۱۵۰). در ایران نیز امکان نظارت موضوعی حتی بر آرای داوری داخلی در شرایط بسیار استثنایی مورد حمایت قرار گرفته است (قنواتی و افضل، ۱۳۹۹: ۱۳۲)، اما در عراق، دادگاه‌ها می‌توانند به هر دلیلی رأی را ابطال کرده و حتی در ماهیت دعوا تصمیم‌گیری کنند. این امر داوری در عراق را به روشی کم‌اعتماد و ناکارآمد تبدیل کرده است (ناطق مطلوب، ۲۰۱۸: ۱۴). بر اساس ماده ۲۷۴ قانون «آ.د.م.ع» دادگاه‌ها می‌توانند رأی داوری را تأیید یا ابطال کنند و در صورت ابطال، پرونده را جهت اصلاح رأی به داوران بازگردانند یا چنانچه پرونده آماده صدور حکم باشد، خود در ماهیت اختلاف رأی دهند. این موضوع نشان‌دهنده عدم استقلال کامل نهاد داوری از سیستم قضایی عراق است که می‌تواند استقلال داوری را تضعیف کند و از جذابیت آن برای طرفین اختلاف بکاهد. این امر اعتماد شرکت‌های خارجی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی به داوری در عراق را کاهش داده و آن‌ها را به



سمت نهادهای داورى خارج از کشور سوق مى دهد (احمد سلیمان، ۱۹۸۱: ۱۳۵). در بسیاری از کشورهایی که داورى به عنوان یک روش جایگزین کارآمد پذیرفته شده است، دادگاههای ملی صرفاً در شرایط استثنایی امکان ورود به آرای داورى دارند.

مشکلات اجرایی در ثبت و اجرای آرای داورى نیز یکی از چالشهای جدی در عراق است. بر اساس ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی عراق، داوران باید پس از صدور رأی، آن را به دادگاههای داخلی ارائه دهند. این ماده چنین مقرر مى دارد: «پس از صدور رأی، داوران باید نسخه ای از آن را به هریک از طرفین تسلیم کرده و رأی را همراه با اصل قرارداد داورى ظرف سه روز از تاریخ صدور، با رسید کتبی از مدیر دفتر به دادگاه صالح تقدیم کنند». این الزام در حالی که ممکن است به عنوان اقدامی نظارتی در نظر گرفته شود، در عمل مى تواند منجر به طولانی شدن روند اجرای احکام داورى گردد. در برخی موارد، دادگاهها ممکن است به دلایل مختلف از تأیید آرای داورى خودداری کنند و این امر باعث کاهش اطمینان طرفین نسبت به نهایی بودن آرای داورى شود. در مقابل، در کشورهای پیشرفته در حوزه داورى، معمولاً اجرای آرای داورى بدون نیاز به نظارت گسترده دادگاهها انجام مى شود، مگر در موارد خاصی که مغایرت آشکار با اصول بنیادین نظم عمومی وجود داشته باشد (شاکر کاظم، ۲۰۱۸: ۱۵۳).

چالش مهم دیگر که معطوف به نظارت گسترده محاکم ملی است به موضوع تعیین هزینه های داورى مربوط مى شود که در ماده ۲۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی عراق به آن پرداخته شده است. این ماده مقرر مى دارد که حق الزحمه داوران باید به صورت توافقی بین طرفین تعیین شود، اما در صورت عدم توافق، این مسئولیت به دادگاه محول مى شود و دادگاه مى تواند به طور مستقل میزان حق الزحمه داوران را مشخص کند. این در حالی است که در بسیاری از نظام های داورى بین المللی، این موضوع به نهادها و مراجع داورى سپرده شده است و دادگاه های ملی نقشی در تعیین هزینه های داورى ندارند (سامی، ۱۹۹۴: ۱۴۳).



۲-۲. فقدان نهاد مستقل برای رسیدگی به درخواست‌های اجرای احکام داورى خارجى

ایجاد نهادى مستقل برای رسیدگی به درخواست‌های اجرای احکام داورى خارجى در عراق مى‌تواند راهکارى مؤثر باشد. بسیاری از کشورهایی که به داورى بین‌المللى اهمیت مى‌دهند، نهادهای تخصصی برای بررسی اجرای احکام داورى خارجى ایجاد کرده‌اند که این نهادها با استفاده از رویه‌های حقوقی مشخص، احکام داورى را ارزیابی کرده و در صورت انطباق با قوانین ملی و بین‌المللى به اجرای آنها دستور مى‌دهند (حزبون، ۲۰۰۱: ۱۵). در عراق، چنین نهادى هنوز وجود ندارد و احکام داورى خارجى مستقیماً به دادگاه‌های ملی ارجاع مى‌شوند که همین امر، باعث تأخیر در اجرا و افزایش احتمال مداخلات غیرضرورى مى‌شود (یونس، ۱۹۹۰: ۱۷۶). این موانع درمجموع موجب شده‌اند که داورى در عراق به‌عنوان سازوکار معتبر و قابل‌اطمینان برای حل اختلافات تجارى، به‌ویژه برای فعالان اقتصادى خارجى، جایگاه مطلوبی نیابد. برای رفع این چالش‌ها، بازنگری عمیق در ساختار حقوقی و تقنینی کشور ضرورى است. این مهم از طریق تدوین و تصویب قانون جامع داورى تجارى بین‌المللى، اجرای کامل تعهدات ناشی از کنوانسیون نیویورک و ایجاد وحدت رویه قضایی در مواجهه با آراء داورى قابل تحقق خواهد بود. تنها در این صورت است که مى‌توان انتظار داشت اعتماد به داورى در عراق افزایش یافته و زمینه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری خارجى و ارتقای امنیت حقوقی فراهم شود.

همچنین ایجاد و توسعه مراکز داورى داخلى که دارای استقلال کافی از نظام قضایی باشند و از داوران متخصص و آموزش‌دیده در سطح بین‌المللى بهره ببرند، مى‌تواند نقش بسزایی در تقویت جایگاه داورى در عراق ایفا کند. این مراکز باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شوند که بتوانند به‌صورت کارآمد، منصفانه و با رعایت اصول بی‌طرفی، اختلافات تجارى بین‌المللى را مورد رسیدگی قرار دهند. امری که امروزه در جهان به سرعت در حال افزایش است (Rajah, 2025: 141). در کنار آن، آموزش مداوم قضات، وکلا و داوران درباره آخرین تحولات داورى بین‌المللى و تطبیق قوانین داخلى با رویه‌های بین‌المللى، مى‌تواند به کاهش مداخلات غیرضرورى دادگاه‌ها و افزایش پذیرش داورى در سطح ملی کمک کند.



۳-۲. تصویب قوانین لازم جهت اجرای مقررات کنوانسیون نیویورک

شاید مهم‌ترین چالش نظام داوری بین‌المللی عراق، فقدان قانون خاص در این ارتباط است که برای اجرای مقررات کنوانسیون نیویورک، لازم و ضروری است. کنوانسیون نیویورک یکی از ارکان مهم داوری بین‌المللی است. کنوانسیون نیویورک نمایانگر مرحله‌ای حیاتی در شکل‌گیری داوری بین‌المللی مدرن است. هیچ کنوانسیونی از سال ۱۹۵۸ تاکنون چنین تأثیری نداشته است. با وجود انتقاداتی که به این کنوانسیون در خصوص مختصر بودن مفاد آن وجود دارد مبنی بر اینکه تنها شامل ۱۶ ماده بوده که بسیاری از آن‌ها مربوط به قیود اجرایی است، اما همچنان کنوانسیون دارای کارکرد مفیدی است که نیاز به بازنگری در آن کمتر احساس می‌شود (Veeder, 2010: 505).

هرچند زمان تصویب کنوانسیون نیویورک در پارلمان عراق، قانونی در تاریخ ۳۱ مه ۲۰۲۱ با عنوان قانون الحاق جمهوری عراق به کنوانسیون نیویورک به تصویب رسید، در این قانون نیز همچنان «داوری بین‌المللی» تعریف نشده است. شایان ذکر است که قانون الحاق شامل برخی شروط و تحفظ‌هاست. بر اساس بند ۲ ماده ۱ این قانون، کنوانسیون نیویورک تنها در مورد آرای داوری خارجی که در سایر کشورهای عضو و بر مبنای عمل متقابل صادر شده باشند، اعمال می‌شود. همچنین بند ۳ ماده ۱ مقرر می‌دارد که کنوانسیون نیویورک تنها شامل اختلافاتی می‌شود که ناشی از روابط قراردادی بوده و طبق قوانین عراق، ماهیت تجاری داشته باشند.

الحاق عراق به کنوانسیون نیویورک، ضمن تسهیل فرآیند کار، به طرفین امکان می‌دهد تا آرای داوری را در عراق به اجرا بگذارند؛ هرچند این امر کمکی به دارندگان آرای داوری پیشین نخواهد کرد.^۴ جالب توجه است که بند ۱ ماده ۱ «قانون الحاق» همچنین مقرر می‌دارد که کنوانسیون نیویورک هیچ‌گونه اثر عطف به ماسبق نخواهد داشت. بدین معنا که (محکوم‌له) که قصد اجرای رأی خارجی صادره پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون الحاق را دارد، نمی‌تواند

4. <https://www.whitecase.com/insight-alert/iraq-ratifies-new-york-convention-recognition-and-enforcement-foreign-arbitral-awards>



به کنوانسیون نیویورک استناد کند. بنابراین، این تحول جدید کمکی به آن دسته از دارندگان رأی که در گذشته در اجرای رأی در عراق ناموفق بوده‌اند نخواهد کرد.

کنوانسیون نیویورک روشی ساده‌تر و مؤثرتر برای به دست آوردن شناسایی و اجرای احکام دآوری خارجی نسبت به آنچه در کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ موجود بود، ارائه می‌دهد. مزیت کنوانسیون نیویورک در آن است که امکان شناسایی و اجرای آرای دآوری صادر شده در خارج از کشور را در تمامی دول عضو این کنوانسیون فراهم می‌سازد. بنابراین دولت‌ها تشویق می‌شوند با تصویب این کنوانسیون، از مزایای آن برخوردار شوند. درواقع، احکام دآوری در عرصه بین‌المللی نسبت به آرای محاکم داخلی عموماً ساده‌تر و راحت‌تر اجرا می‌شوند؛ زیرا بر اساس کنوانسیون نیویورک، دادگاه‌ها ملزم به اجرای آرای دآوری هستند، مگر اینکه بی‌نظمی و بی‌قاعدگی جدی در آیین دادرسی صورت گرفته باشد یا مشکلاتی در تمامیت و بی‌عیبی فرآیند رسیدگی به وجود آمده باشد. کنوانسیون نیویورک مجدانه، در پی اجرای احکام دآوری است و دادگاه‌ها دلایل غیرقابل‌اجرا بودن آراء را به‌صورت مضیق تفسیر خواهند کرد و این خود منتهی به اجرای خیل کثیری از آرای دآوری می‌شود.

این موضوع را با ذکر مثالی توضیح خواهیم داد. شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفتی آمریکایی در قراردادی که قبل از انقلاب اسلامی منعقد شده بود، توافق کرده بودند که در صورت بروز اختلاف، موضوع به دآوری ارجاع گردد و توافق شده بود که محل دآوری نیز در تهران باشد. پس از بروز اختلاف، شرکت آمریکایی از پذیرش دآوری در تهران خودداری کرد. شرکت ملی نفت ایران طی دادخواستی از دادگاهی در آمریکا درخواست نمود تا شرکت مقابل را ملزم به حضور در دآوری و تأسیس دادگاه دآوری نماید. دادگاه تجدیدنظر آمریکا در سال ۱۹۸۷ با این استدلال که دولت آمریکا در زمان پیوستن به کنوانسیون شرط کرده بود که آن دسته از آرای دآوری را اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون صادر شده باشد و با عنایت به اینکه ایران در آن زمان، عضو کنوانسیون نیویورک نبود، کنوانسیون نیویورک را غیرقابل‌اجرا در این



موضوع اعلام کرد (شریعت باقری، ۱۳۸۰: ۶۳). به نظر می‌رسد که دولت ایران برای رفع این مشکلات تصمیم گرفت تا به کنوانسیون نیویورک ملحق گردد تا بتواند از مزایای آن بهره‌مند شود. بر همین اساس، پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در فرودین ۱۳۸۰ ایران نهایتاً در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ اسناد تصویب کنوانسیون نیویورک را به امین کنوانسیون (دبیرکل سازمان ملل متحد) تسلیم کرد. نظر به وجود این مصلحت تجاری و بازرگانی است که بسیاری از دولت‌های جهان به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. دولت عراق نیز نهایتاً به‌عنوان آخرین دولت عربی در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱ به این کنوانسیون پیوست.

تا سال ۲۰۲۱ عدم الحاق عراق به کنوانسیون نیویورک باعث شده بود که اجرای آرای داوری بین‌المللی در عراق به‌سادگی امکان‌پذیر نباشد و نیازمند بررسی‌های طولانی در دادگاه‌های داخلی باشد (حزبون، ۲۰۰۲: ۱۷). این امر موجب کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و تجار بین‌المللی به نظام داوری عراق شده بود، اما با الحاق عراق به این کنوانسیون در سال ۲۰۲۱ این امیدواری وجود دارد که نظام حقوقی عراق، هم‌سو با دیگر دول عضو این کنوانسیون، به شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی در عراق بپردازد. درواقع، توجه به تصویب کنوانسیون نیویورک توسط پارلمان عراق، انتظار می‌رفت که زمینه برای پذیرش و اجرای احکام داوری خارجی در این کشور تسهیل شود. با این حال، در عمل، چالش‌هایی همچنان باقی است؛ زیرا تاکنون قانون جامع و مستقلی در خصوص داوری تجاری بین‌المللی در نظام حقوقی داخلی عراق به تصویب نرسیده است. این خلأ تقنینی موجب شده است که اجرای احکام داوری خارجی با تردیدهایی از سوی مراجع قضایی مواجه گردد (النداوی، ۱۹۸۸: ۱۵۳). بنابراین در حال حاضر به دلیل عدم تصویب قانون داخلی عراق در مورد داوری تجاری بین‌المللی، امکان شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی در عراق به سادگی امکان پذیر نیست. مضاف بر آنکه اجرای مؤثر کنوانسیون نیویورک بر اساس ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹، تعهد بین‌المللی دولت‌های عضو است (Dörr & Schmalenbach, 2018: 493) و مستلزم تدوین قوانین داخلی منسجم و هم‌سو با اصول پذیرفته‌شده در کشورهای موفق چون لبنان و مصر است که تجربه‌ای مثبت در اجرای آراء داوری خارجی



دارند.

شایان گفتن است که از سال ۲۰۱۳ تلاش‌هایی برای تدوین قانون داوری تجاری بین‌المللی در پارلمان عراق آغاز شده است، اما تاکنون این تلاش‌ها به نتیجه‌ی نهایی منجر نشده است. گفته شده است که پیش‌نویس «قانون جدید عراق در مورد داوری تجاری» بر اساس قانون نمونه آنسیترال و مهم‌تر از همه، قانون مصر، الگوبرداری شده است (Najjar, 2017: 97). اطلاعات کلی نگارنده و مطالعات او حاکی از آن است که این پیش‌نویس دارای نقایص متعددی است، ازجمله اینکه فاقد تعریف کاملاً مشخصی از داوری بین‌المللی بوده و دامنه‌ی آن نامشخص است. البته از مزایای این پیش‌نویس قانون آن است که بر اساس قلمرو جغرافیایی اعمال نمی‌شود و این قانون بر همه‌ی انواع داوری‌ها، صرف‌نظر از محل انجام آن‌ها، حاکم خواهد بود، اما پیش‌نویس این قانون، دادگاه صالح جهت انجام امور نظارتی و مساعدت و معاضدت به مرجع داوری را مشخص نمی‌کند و تنها مقرر شده که طرفین باید دادگاه تجدیدنظر صالح را به‌عنوان مرجع نظارتی مشخص نمایند (ماده ۱-۵). درنهایت، این پیش‌نویس در خصوص سازوکار تعیین داوران، حاوی مقرراتی جامع نیست. این کاستی‌ها، در میان سایر موارد، ممکن است توضیح دهد که چرا این قانون جدید عراق در مورد «داوری» در کشورهای کمیسیون مربوطه مجلس باقی مانده است. اگرچه موضوع تصویب این قانون در دستور کار مباحثات مجلس در سال ۲۰۱۴ قرار داشت، به دلیل آشفتگی‌های مربوط به مبارزه با داعش، بررسی این قانون به محاق رفت و متأسفانه به جهت تمرکز بیش از حد فراکسیون‌های مجلس بر امور سیاسی، همچنان بررسی پیش‌نویس این قانون به تعویق افتاده است. نقدهای اساسی که به این قانون وارد شده نیز در تعطیلی موقت بررسی آن بی‌تأثیر نبوده است.

۳. گفتار دوم: معایب و مزایای قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و پیشنهاد

اصلاحات مطلوب به قانون‌گذار عراقی

در این گفتار با بیان مزایا و معایب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، بر آن هستیم تا قانون مناسبی را به قانون‌گذار عراقی پیشنهاد دهیم. بدیهی است که بیان تمام جزئیات

قانون در حوصله این مقاله نیست و ما تنها به تبیین دو موضوع مهم، یعنی تعریف و تعیین دامنه داوری بین‌المللی و همچنین مباحث مربوط به تعیین داوران خواهیم پرداخت.

۱-۳. تعریف و تعیین دامنه داوری بین‌المللی

در این بخش از مقاله، ابتدا معیارهای مورد استناد قانون نمونه در تعیین وصف بین‌المللی بودن داوری به اختصار توضیح داده می‌شود. سپس معیار مورد استفاده در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و در پایان معیار مطلوب جهت استفاده قانون‌گذار عراقی را از منظر نویسندگان مقاله بیان خواهیم کرد.

۱-۱-۳. تعریف داوری بین‌المللی در قانون نمونه آنسیترال

کارویژه قانون نمونه آنسیترال، تمشیت تمام امور بازرگانی - تجاری است که دربردارنده عنصر خارجی است. هدف از تدوین قانون نمونه آنسیترال، کاهش عدم قطعیت ناشی از ناکافی بودن و ناهماهنگی قوانین داخلی در مورد اعتبار و قابلیت اجرای توافقات داوری، رویه داوری و رابطه بین مراجع داوری و قضایی است (Tang, 2014: 241). درواقع، ابتکار تدوین قانون نمونه هم‌زمان با ارائه پیشنهادات برای اصلاح کنوانسیون نیویورک آغاز شد. با هماهنگ‌سازی قوانین داوری کشورهای مختلف جهان، قانون نمونه یا متحدالشکل بهتری می‌تواند تدوین شود (Blackaby & Partasides, 2015: 102). متن نهایی قانون نمونه آنسیترال به‌عنوان قانونی برای اداره داوری تجاری بین‌المللی، طی قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مثابه توصیه‌ای برای تصویب قوانین نمونه به کشورهای عضو در دسامبر ۱۹۸۵ تصویب شد (UN Digest, 2012: 8). اصولاً صلاحیت تمامی اشخاص برای رجوع به داوری تجاری بین‌المللی حتی اشخاص حقوق عمومی در رویه قضایی غالب دولتها پذیرفته شده است و محدودیت‌هایی از قبیل آنچه در اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران پیش‌بینی شده است، کمتر به چشم می‌خورد (علمی و شهبازی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۶).



ویژگی بین‌المللی بودن داوری در قانون نمونه آنسیترال مبتنی بر تفاوت «مرکز تجارت»^۵ طرفین موافقتنامه داوری است. به این معنا که در زمان انعقاد موافقتنامه داوری (و نه زمان بروز اختلاف)، مرکز تجارت طرفین موافقتنامه داوری در کشورهای مختلف باشد (بند الف قسمت ۳ ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال). در عین حال، حتی در فرضی که «مرکز تجارت» طرفین نیز در کشور واحدی باشد، باز هم بنا بر تعریف موسع قانون نمونه، می‌توان این شانس را به اختلاف ناشی از آن روابط تجاری بخشید تا از وصف داوری بین‌المللی برخوردار گردد. به این معنا که اگر یکی از محل‌های زیر، خارج از کشوری باشد که مرکز تجارت طرفین در آنجا واقع است، می‌توان داوری را بین‌المللی تلقی کرد. مثلاً در صورتی که عراق از معیار قانون نمونه در تدوین قانون داوری بین‌المللی خویش استفاده کند؛ آنگاه اگر دو تاجر عراقی که مرکز تجارت آن‌ها، به ترتیب، در شهرهای بغداد و بصره باشد می‌تواند با تعیین «محل داوری» در کشور قطر، داوری را واجد وصف بین‌المللی سازند (مستنبط از بند یک قسمت ب از جزء ۳ ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال). مزیت این روش آن است که تاجر مقیم بصره می‌تواند با استفاده از مزایای کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، رأی داوری را حتی در کشور قطر یا امارت متحده عربی به اجرا گذارد و از اموال تاجر مقیم بغداد که در کشورهای خارجی مذکور قرار دارد، محکوم‌به را استیفا نماید.

همچنین حتی اگر محل داوری در کشور عراق تعیین گردد، روش دوم برای بین‌المللی کردن داوری آن است که قسمت اصلی تعهدات ناشی از روابط تجاری میان تاجر نامبرده در کشوری خارجی (مانند قطر) اجرا گردد. در این صورت، حتی اگر اختلاف متداعیین ناظر بر همان «قسمت اساسی»^۶ تعهدات نباشد، همچنان آن داوری بین‌المللی توصیف خواهد شد. امکان دیگر یا روش سوم، در فرضی است که موضوع اصلی اختلاف میان تاجر عراقی با کشور قطر ارتباط دارد. در فرض اخیر، تمرکز بر موضوع اصلی اختلاف مطروحه است (مستنبط از بند دو قسمت ب از جزء ۳ ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال). اگرچه این اختلاف معطوف به «قسمت

5. places of business

6. substantial part of the obligation



اساسی» تعهدات طرفین نباشد.

روش چهارم درنهایت آن است که حتی اگر هیچ عنصری از اختلاف به کشوری غیر از کشوری که محل تجارت طرفین در آن است، مرتبط نباشد، قانون نمونه همچنان به طرفین اجازه می‌دهد تا توافق کنند که «موضوع اختلاف بین‌المللی است». در این ارتباط، بند ج جزء ۳ از ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال چنین مقرر می‌دارد: «طرفین صراحتاً توافق کرده باشند که موضوع اصلی موافقتنامه داوری به بیش از یک کشور ارتباط دارد». یکی از مصادیق این نوع توافقات آن است که طرفین، داوری را تابع مقررات سازمان داوری قرار دهند که آن سازمان خود را بین‌المللی می‌داند (مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی). بنابراین روشن است که قانون نمونه از رویکرد بسیار موسعی در توصیف بین‌المللی بودن داوری‌ها بهره برده است (Mones & Evans, 2015: 16) که مورد انتقاد برخی دولت‌ها، مانند روسیه و اوکراین قرار گرفته است (Bantekas et al, 2020: 18).

۳-۱-۲. تعریف داوری بین‌المللی در قانون داوری تجاری ایران

با وجود آنکه قانون نمونه جهت توصیف بین‌المللی بودن داوری از عناصر خارجی متفاوتی نام برده و وجود هریک از آن‌ها را جهت تحقق وصف بین‌المللی بودن داوری کافی دانسته است، قانون ایران تنها بر وصف تابعیت شخصی طرفین موافقتنامه داوری تأکید کرده است. بنابراین قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با تمرکز بر عامل «تابعیت» از نحوه توصیف بین‌المللی بودن داوری در قانون نمونه، فاصله زیادی گرفته است. عدول ایران از این معیار، با این توجیه حقوقی صورت گرفته است که قانون نمونه به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا بر اساس منافع و مصالح ملی خود، تغییراتی در قانون نمونه انجام دهند. به عبارت دیگر، هرچند قانون نمونه، تعریف نسبتاً گسترده‌ای از بین‌المللی بودن را که مورد پذیرش داوری بین‌المللی است، اتخاذ کرده است، دولت‌ها ممکن است رویکردی متفاوت یا محدودتر اتخاذ کنند و گاهی اوقات اتخاذ کرده‌اند (Bantekas et al, 2020: 13). این امر مورد انتقاد متخصصان داوری ایرانی قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند «قانون داوری ایران بسیار تنگ‌نظرانه با موضوع برخورد



نموده است و تا حد زیادی، فلسفه وجودی خود در تسهیل داوری راجع به اختلافات تجاری بین‌المللی و ایجاد اقبال نسبت به خود را زیر سؤال برده است» (جنیدی، ۱۳۷۸: ۳۸).

۳-۱-۳. معیار مطلوب برای قانون داوری تجاری بین‌المللی عراق

داوری در عراق عمدتاً تابع مواد ۲۵۱ تا ۲۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی است. این قانون، داوری تجاری داخلی و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد، اما به‌طور صریح میان آن‌ها تمایزی قائل نمی‌شود. در حال حاضر، قانون عراق تفکیک صریحی میان داوری داخلی و بین‌المللی قائل نشده است؛ با این حال، در عمل:

- داوری داخلی شامل اختلافات میان طرف‌های عراقی یا اختلافاتی است که محل رسیدگی به آن‌ها در عراق است؛

- داوری بین‌المللی عموماً شامل حداقل یک طرف خارجی یا دارای عناصر فرامرزی است. گفتنی است که پیش‌نویس قانون داوری سال ۲۰۱۳ با هدف ارائه تعاریف شفاف‌تر و منطبق با «قانون نمونه آنسیترال» تدوین شده و بر معیارهایی مانند «محل فعالیت تجاری طرفین» و «ماهیت بین‌المللی اختلاف» به‌عنوان شاخص‌های «تعریف داوری بین‌المللی» تأکید شده بود.^۷

نویسنده معتقد است که قانون‌گذار عراقی در تعریف وصف بین‌المللی بودن داوری، بایسته است از همان معیارهای قانون نمونه استفاده کند و از معیار تابعیت فاصله گیرد. دلیل این امر علاوه بر ملاحظات نظری به دلایل عملی مربوط به امکان پوشش اختلافات تجاری میان تجار عراقی، تحت عنوان داوری بین‌المللی، مربوط می‌شود. چه آنکه اگر موافقتنامه داوری میان تاجر عراقی که محل تجارت او در شهر بصره قرار دارد با تاجر عراقی منعقد شود که مقر تجارت او در شهر هامبورگ است (و از تابعیت مضاعف عراقی و آلمانی برخوردار است)، در صورتی که از معیار تابعیت در توصیف بین‌المللی بودن این نوع داوری استفاده شود، نمی‌توان این داوری را بین‌المللی دانست. لازم به ذکر است که بر اساس مقررات عام تابعیت،

7. <https://www.mondaq.com/guides/results/2/1103/all/iraq-international-arbitration>



هر دولتی دارندگان تابعیت مضاعف را تنها در زمره اتباع خود تلقی می‌کند. بنابراین این تاجر آلمانی - عراقی از منظر دولت عراق، دارای تابعیت عراقی توصیف می‌شود و داوری آن‌ها داخلی محسوب می‌شود. همان‌طور که حقوقدانان ایرانی خاطرنشان کرده‌اند این امر ایرانیان و در بحث ما، عراقی‌ها را نسبت به سرمایه‌گذاری یا رونق تجارت در کشور خود بی‌انگیزه خواهد نمود (جنیدی، ۱۳۷۸: ۳۸).

شایسته توضیح است که تعداد قابل‌توجهی از نخبگان اقتصادی عراقی در طول دوران حاکمیت رژیم بعث و نیز دوران ناامنی ناشی از ظهور داعش، کشور عراق را ترک و به کشورهای اروپایی و آمریکا مهاجرت کردند. تعداد زیادی از آن‌ها نیز موفق به کسب تابعیت دولت‌های میزبان خود شدند؛ تاجر عراقی زیادی هستند که مایل به انجام تجارت با تاجر هم‌وطن خود در داخل خاک عراق هستند، اما تمایل دارند که حل‌وفصل اختلافات مربوط به قراردادهای تجاری آن‌ها تابع مقررات داوری بین‌المللی باشد تا بتوانند از مزایای آن‌ها استفاده کنند و حتی تاجر مقیم عراق نیز به جهت سهولت در امر شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی، مایل‌اند تا قرارداد آن‌ها با تاجر عراقی که محل تجارت آن‌ها در اروپاست تابع مقررات داوری بین‌المللی باشد. بنابراین، در جهت تسهیل امور بازرگانی و تجاری شایسته است تا قانون‌گذار عراقی از معیار تابعیت اعراض نماید و از معیارهای مندرج در قانون نمونه استفاده کند. کما آنکه پس از سقوط رژیم صدام حسین، در کشور عراق سرمایه‌گذاری‌های خارجی زیادی صورت گرفته است که قانون‌گذار عراقی نیز ازجمله با تصویب قانون شماره ۱۳ مصوب سال ۲۰۰۶ با عنوان «قانون سرمایه‌گذاری» بدان واکنش نشان داد. این قانون در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۵ توسط مجلس عراق بازنگری و اصلاح شد.^۸

۲-۳. تعیین داوران

در موضوع دامنۀ آزادی طرفین در تعیین داوران، مباحث مختلفی وجود دارد که در این قسمت

8. Iraqi Law No. 13 of 2006, entitled "Investment Law", published in al-Waqae' al-Iraqiyya, No 4031 17/1/2007, also available on the following website: http://www.iaigc.net/UserFiles/file/laws/Iraq_A.pdf (last accessed January 2014), as amended by Act of 27/10/2015.



به بررسی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۳. استنکاف شخص معین از انجام داورى

همان‌گونه که گفته شد، فصل دوم «آ.د.م.ع» از مواد ۲۵۱ تا ۲۷۶ به موضوع داورى اختصاص یافته است. در قانون آیین دادرسی مدنى ایران (آ.د.م.ا)، باب هفتم از مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ تحت همین عنوان داورى به این موضوع اختصاص یافته است. نظر به اینکه مواد اختصاص یافته به امر داورى در قانون «آ.د.م.ا» بیشتر است. اصولاً قانون‌گذار ایران، موضوع حل و فصل اختلافات به شیوه داورى را با تفصیل بیشتری بررسی کرده است؛ مثلاً مسائل مربوط به تعیین داوران در «آ.د.م.ا» با جزییات بیشتری نسبت به قانون آیین دادرسی مدنى عراق (آ.د.م.ع) تبیین و مشخص شده است. در این ارتباط می‌توان به ماده ۴۶۳ «آ.د.م.ا» اشاره کرد: «هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آن‌ها، شخص معینی داورى نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود». به نظر می‌رسد که این مقرر از بند ۳ ماده ۱۴۴۸ قانون آئین دادرسی مدنى فرانسه (در مورد داورى) اقتباس شده است. این بند از ماده چنین مقرر می‌دارد: «قرارداد داورى، باطل و ملغی‌الاثَر است اگر داور منتخب مندرج در آن موافقتنامه از انجام وظیفه داورى استنکاف ورزد».

این در حالی است که این فرض خاص در قانون «آ.د.م.ع» پیش‌بینی نشده است، مگر این موضوع را تابع ماده ۲۵۶ آن قانون بدانیم که چنین مقرر می‌دارد:

هرگاه اختلافی پدید آید و طرفین بر تعیین داور یا داوران توافق نکرده باشند، یا یکی یا چند تن از داوران مورد توافق از انجام مأموریت امتناع ورزند، کناره‌گیری کنند، یا از کار برکنار شوند، یا مانعی برای ادامه مأموریتشان ایجاد شود و بین طرفین در این خصوص توافقی نباشد، هریک از آنان می‌تواند با تقدیم دادخواست به دادگاه صالح رسیدگی به اصل دعوى، تعیین داور یا داوران را پس از ابلاغ به سایر طرفین و استماع اظهاراتشان درخواست کند. تصمیم دادگاه در تعیین داور یا داوران، قطعی و غیرقابل اعتراض است؛ اما تصمیم دادگاه

مبنی بر رد درخواست تعیین داوران، طبق ماده ۲۱۶ همین قانون، قابل تجدیدنظرخواهی است (تأکید از نگارنده است).

به نظر می‌رسد که در فرض مورد تأکید، دادگاه صالح رسیدگی به اصل دعوی، جایگزین داوران ممتنع از انجام وظیفه را مشخص می‌کند و توافقنامه داوری باطل نخواهد شد. جالب توجه است که قانون‌گذار ایرانی محتوای ماده ۴۶۳ قانون «آ.د.م.» را در بند ۵ قسمت دوم ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی وارد کرده است.^۹ این در حالی است که اصولاً چنین فرضی در قانون نمونه آنسیترال پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد که مقنن ایرانی معتقد است که قصد و نیت طرفین موافقتنامه داوری آن بوده است که تنها شخص مورد نظر، داوری اختلاف آن‌ها را انجام دهد و انجام این وظیفه توسط شخص دیگر برای آن‌ها مطلوبیت ندارد به نحوی که با امتناع آن شخص معین، بهتر است که دادگاه به اصل دعوی رسیدگی نماید. از منظر حقوقی به نظر می‌رسد که چنین توصیفی بدان معناست که داور یا داوران معرفی‌شده در قرارداد داوری به رکن اصلی یا حتی یک طرف سوم قرارداد داوری تبدیل شده و عدم مشارکت آنان در داوری به بطلان قرارداد منجر می‌شود.^{۱۰} (Onyema, 2010: 62). اما تحلیل درست‌تر آن است که به صرف درج نام داوران در قرارداد داوری، آن‌ها به‌عنوان طرف قرارداد داوری محسوب نمی‌شوند و کماکان طرفین اختلاف را باید اطراف داوری محسوب کرد. با عدم پذیرش انجام داوری توسط داوران معرفی‌شده، انجام این شرط متعذر می‌شود که خارج از کنترل طرفین قرارداد بوده است. این تعذر تنها موجب رهایی آن‌ها از انجام شرط

۹. این بند از ماده ۱۱ چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه در موافقتنامه داوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به‌عنوان داور رسیدگی کنند، موافقتنامه داوری ملغی‌الاثربود خواهد بود مگر آنکه طرفین به داوری شخص یا اشخاص دیگری تراضی‌کنند یا به نحوی دیگر توافق کرده باشند».

۱۰. در پرونده K/S Norjarl A/S v Hyundai Heavy Industries قاضی فیلیپ انگلیسی معتقد بود که در فرض توافق بر شخص یا اشخاص معین جهت انجام داوری، قرارداد مربوطه از قراردادی دوجانبه میان طرفین اختلاف به قراردادی سه‌جانبه مبدل می‌شود.



می‌شود، اما تعهد به انجام نفس دآوری را از میان نمی‌برد (Onyema, 2010: 63) و محکمه قضایی یا مؤسسه دآوری مندرج در ماده ۶ قانون نمونه می‌توانند با تعیین داوران جانشین، قرارداد را اجرایی کنند.

رویه قضایی دولتهایی که از قانون نمونه آنسیترال پیروی کرده‌اند نیز مؤید همین دیدگاه است. برای مثال در پرونده‌ای که در آلمان مطرح شد، طرفین بر روی نفر خاصی به‌عنوان داور توافق کرده بودند، اما او از پذیرش انجام این وظیفه خودداری کرد.^{۱۱} متعاقب عدم توافق طرفین، برای انتخاب شخص دیگر، دادگاه مقر تصمیم گرفت تا شخص ثالث دیگری را به‌عنوان داور برگزیند (Bantekas et al, 2020: 199). فلسفه صدور این رأی دادگاه آن بوده است تا آنجا که می‌تواند قرارداد دآوری را از اثربخشی خارج نکند. با امعان نظر به ماده ۲۷۶ قانون «آ.د.م.ع» به نظر می‌رسد که قانون‌گذار عراقی نیز با چنین رویکردی موافق است، لذا بهتر است در قانون نمونه پیشنهادی در عراق از همین رویکرد استفاده شود.

۲-۲-۳. آزادی در تعیین تعداد داوران

در این خصوص که طرفین دآوری تا چه میزان در تعیین داوران، به‌ویژه در این موضوع که تعداد آنان فرد یا زوج باشد، نیز میان قوانین دآوری داخلی ایران و عراق تفاوت وجود دارد. ماده ۴۶۴ «آ.د.م.ع» مقرر داشته است: «در صورتی که در قرارداد دآوری، تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هریک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به‌عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند». بنابراین در دآوری‌های داخلی، قانون‌گذار ایرانی، اختیار تعیین تعداد داوران را به خود طرفین واگذار کرده است و اگر در قرارداد دآوری، تعداد داوران مشخص نشده باشد، آنگاه باید دآوری سه‌نفره و فرد باشد، اما ماده ۲۵۷ قانون «آ.د.م.ع» مقرر می‌دارد: «در صورت تعدد داوران، تعداد آنان باید فرد باشد، مگر در مورد دآوری میان زوجین». به نظر می‌رسد که قانون‌گذار عراقی، حق تعیین داوران به تعداد زوج را به رسمیت نمی‌شناسد. این در حالی است که قاعده اولیه، احترام

11. Bayerisches Oberstes Landesgericht, Germany, 4 Z SchH 02/98 (16 September 1998)



به خواست طرفین داورى است و آن‌ها مى‌توانند تعداد داوران را حتى زوج انتخاب کنند. اگرچه ممکن است در صورت اختلاف نظر میان داوران، در احراز رأى غایبی داوران، معضل ایجاد شود. بر همین اساس بود که در مذاکرات تدوین ماده ۱۰ قانون آنسیترال، نماینده دولت سودان پیشنهاد کرد که علی‌رغم وجود اصل آزادی اراده طرفین، قاعده اولیه باید این باشد که تعداد داوران می‌بایست فرد باشد (UN.Doc, 1985: para.8)، اما این دیدگاه پذیرفته نشد. شایان گفتن است که دیوان عالی هندوستان نیز در پرونده‌ای پذیرفته بود که طرفین اختلاف حتى مى‌توانند تعداد داوران را به صورت زوج انتخاب نمایند.^{۱۲}

به پیروی از قانون نمونه آنسیترال، قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران نیز در بند ۱ ماده ۱۰، از معیار آنسیترال مقرر داشته است: «تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف است. در صورت عدم تعیین، هیأت داورى مرکب از سه عضو خواهد بود». نکته دیگر در خصوص ماده ۲۵۷ قانون «آ.د.م.ع» آن است که در قانون عراق به این فرض پرداخته است که اگر در قرارداد داورى، تعداد داوران معین نشده باشد، تکلیف طرفین قرارداد چیست و به موضوع اختلاف، داور واحد رسیدگی می‌کند یا سه نفر؟ بنابراین بایسته است که در این فرض نیز قانون‌گذار عراقی از الگوی قانون نمونه استفاده نماید.

۳-۲-۳. عدم انتخاب داور به دلیل تابعیت او

اصولاً بی‌طرفی ایجاب می‌کند که داور واحد یا سرداور، هموطن هیچ‌یک از اطراف اختلاف نباشند. بر همین اساس، بند ۵ ماده ۱۱ قانون نمونه آنسیترال، دادگاه یا مرجع دیگر مذکور در ماده ۶ (مثلاً مؤسسه داورى) را ملزم می‌داند تا به هنگام انتخاب داور واحد یا سرداور «اولی بودن انتخاب داور با ملیتی غیر از ملیت طرفین را نیز ملحوظ نمایند». اما باید توجه داشت که علی‌ایه‌الحال، تعیین داور هموطن به صورت کلی ممنوع نشده است. بند ۱ ماده ۱۱ قانون نمونه آنسیترال بر همین اساس مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان به علت تابعیتش از داور شدن ممنوع کرد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند». همین قاعده در بند ۲ ماده ۱۶

12. MMTC v. Sterlite Industries (India) Ltd, AIR (1997) SCC (India) 605



قانون داورى مصر با عبارت‌بندى متفاوتى تکرار شده است: «داور می‌تواند از هر ملیت یا جنس باشد؛ مگر اینکه قانون یا توافق طرفین خلاف آن را مقرر کرده باشد». این در حالی است که قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، رویکرد متفاوتى در پیش گرفته است. در بند ۱ ماده ۱۱ این قانون آمده است:

طرف‌های اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داورى یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

قوانین داورى لبنان و عراق در خصوص این موضوع ساکت هستند. در هر حال به نظر می‌رسد که باید به آزادى طرفین در انتخاب داوران احترام گذاشت و اگر آن‌ها خود به داورى که هم‌وطن یکی از اطراف اختلاف است، اطمینان نمایند و او را به‌عنوان داور انتخاب نمایند باید آن‌ها را پذیرفت و رویه قضایی دولت‌ها نیز مؤید همین دیدگاه است.

۴. نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی عراق، مقررات موجود در مواد ۲۵۱ تا ۲۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۹۶۹، با وجود شناسایی داورى، به سبب اعطای اختیارات گسترده به دادگاه‌ها در ابطال و کنترل ماهوی آراء، عدم شفافیت در اعتبار و اثبات توافق داورى، ابهام در قلمرو موضوعات قابل داورى، نبود معیارهای روشن برای تعیین حق‌الزحمه داوران و فقدان نهادهای داورى مستقل و کارآمد، مانعی جدی در مسیر توسعه داورى تجارى بین‌المللى به شمار می‌رود. افزون بر این، پیوستن عراق به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در سال ۲۰۲۱، هرچند گامی رو به جلو محسوب می‌شود، به دلیل فقدان قانون جامع و مستقل داورى تجارى بین‌المللى، هنوز سازوکار منسجمی برای شناسایی و اجرای آراء داورى خارجی در نظام داخلی شکل نگرفته است. با توجه به این چالش‌ها، ارائه راهکارهای حقوقی و اجرایی مناسب برای بهبود و اصلاح



نظام داوری در عراق ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین پیشنهادات، تدوین و تصویب قانون داوری بین‌المللی مستقل و جامعی است که به‌طور کامل با استانداردهای بین‌المللی هم‌سو باشد و بتواند به‌عنوان چارچوبی شفاف و قابل‌اتکا برای حل‌وفصل اختلافات از طریق داوری استفاده شود. این قانون باید اصول بنیادینی، مانند استقلال شرط داوری، حاکمیت اراده طرفین در تعیین قانون حاکم، و کاهش مداخلات قضایی را به‌عنوان هسته اصلی خود بپذیرد. در این ارتباط، استفاده از تجربه قانون‌گذاری ایران در سال ۱۹۹۷ در تدوین قانون داوری تجاری بین‌المللی می‌تواند کمک شایانی به قانون‌گذار عراقی نماید تا ضمن استفاده از تجربیات مفید ایران، از نقایص آن قانون نیز پرهیز کرده و قانون جامع و مناسبی در این ارتباط تدوین کند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اصلاح ساختار داوری عراق نیازمند تدوین قانون خاص داوری هماهنگ با قانون نمونه آنسیترال، کاهش مداخلات قضایی، تقویت اصل استقلال و تفکیک‌پذیری شرط داوری، تعریف روشن معیارهای صلاحیت داوران، استانداردسازی هزینه‌های داوری و ایجاد مراکز داوری مستقل است تا بدین وسیله اعتماد سرمایه‌گذاران و بازرگانان داخلی و خارجی به این سازوکار تقویت شود و عراق به بستری قابل‌اتکا برای حل‌وفصل اختلافات تجاری بین‌المللی بدل شود. نویسنده معتقد است که قانون‌گذار عراقی در تعریف وصف بین‌المللی بودن داوری، بایسته است از همان معیارهای قانون نمونه استفاده کند و از معیار تابعیت فاصله گیرد. دلیل این امر علاوه‌بر ملاحظات نظری به دلایل عملی مربوط به امکان پوشش اختلافات تجاری میان تجار عراقی، تحت عنوان داوری بین‌المللی، مربوط می‌شود.

در موضوع دامنۀ آزادی طرفین در تعیین داوران نیز مزایا و معایبی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران وجود دارد. در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده است که هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آن‌ها، شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به‌عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود. چنین فرضی در نظام حقوقی عراق و همچنین قانون نمونه آنسیترال پیش‌بینی نشده است. ما با نظر مقنن ایرانی موافق



نیستیم. به نظر ما بایسته است تا در قانون داوری بین‌المللی عراق، در چنین فرضی، به دادگاه اختیار تعیین داور جایگزین داده شود تا موافقتنامه داوری بلااثر نشود. این ایده هم‌سو با رویه قضایی دولت‌هایی مانند آلمان است که از قانون نمونه آنسیترال استفاده کرده‌اند. همچنین ممنوعیت انتخاب داور هم‌وطن با یکی از طرفین اختلاف که در قانون داوری ایران پیش‌بینی شده نیز هم‌سو با ایده آزادی طرفین اختلاف نیست. از سوی دیگر، در موضوع آزادی تعیین داوران زوج یا فرد، برخلاف رویکرد قانون‌گذار عراقی در «ق.آ.د.م» ما با پیروی از قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران بر آزادی طرفین داوری در انتخاب داوران حتی در صورتی که تعداد داوران زوج باشد، تأکید داریم.

بیانیه هوش مصنوعی:

در نگارش این مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

سهم نویسندگان:

حمزه ناجی جفات، به عنوان پژوهشگر اصلی (مدل سازی، تولید، پیش نویس اولیه مقاله، اصلاح و بازبینی) با سهم ۵۰٪ و ستار عزیزی، به عنوان پژوهشگر فرعی (ایده پردازی، تحلیل داده ها، اصلاح و بازبینی مقاله) با سهم ۵۰٪ در این پژوهش سهم داشته اند.

حامی مالی:

هیچ نهادی حمایت کننده مالی نبوده است.

تعارض منافع:

بیانیه عدم تعارض منافع قبلا در سایت مجله درج شده است.



۵. منابع

۱-۵. منابع فارسی و عربی

الف) کتابها

۱. أحمد سليمان شعيب (۱۹۸۱). *التحكيم في منازعات تنفيذ الخطه الاقتصاديه العامه*. بغداد: دار الرشيد للنشر.
۲. جنیدی، لعیا (۱۳۷۸). *نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین المللی*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۳. حاتم الحسن، عبدالرحیم (۲۰۱۰). *التحكيم في الشريعة والقانون*. ط ۱. النجف الأشرف: مؤسسه النبراس للطباعة والنشر.
۴. الدورى، قحطان (۱۹۸۵). *عقد التحكيم في الفقه الإسلامى والوضعى*. ط ۱. بغداد: مطبعه الخلود.
۵. سامی، فوزی محمد (۱۹۹۴). *التحكيم التجارى الدولى*. ط ۱. بغداد: بیت الحکمه.
۶. النداوى، آدم وهيب (۱۹۸۹). *المرافعات المدنيه*. بغداد: جامعه بغداد، کليه القانون.

ب) مقالات

۷. حزبون، جورج (۲۰۰۱). دور هیئته التحکیم فی إجراءات التحکیم الوطنى والخاص الدولى. *مجله دراسات علوم الشريعة والقانون*، ۲۸ (۲)، ۱۵.
۸. حزبون، جورج (۲۰۰۲). الرقابہ القضائیه على قرارات التحکیم الخاص الدولى. *مجله دراسات وعلوم الشريعة والقانون* ۲۹ (۱)، ۱۷.
۹. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۰). آثار الحاق جمهورى اسلامى ایران به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی. *نشریه حقوقی دادگستری*، ۳۶، ۴۹-۹۶.
۱۰. العجیلی، حاتم خلیفه بریسم (۲۰۱۲). *مقترح تطوير قانون التحكيم العراقى*. *مجله الهندسه والتنمیه*، ۱۶ (۲)، ۱۹.



۱۱. علمی، حسین؛ شهبازی‌نیا، مرتضی؛ عیسائی تفرشی، محمد و صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱). صلاحیت اشخاص برای رجوع به داوری تجاری بین‌المللی (با تأکید بر حقوق ایران). پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۶(۴)، ۱۲۵-۱۴۶.
۱۲. عیسی، یوسف زکریا (۲۰۱۵). اتفاق التحکیم صوره و شروط صحته. مجله جامعه القرآن الکریم و تأسیل العلوم، عماده البحث العلمی، ۱۰(۱)، ۱۸۸-۲۲۳.
۱۳. قنوتی، جلیل و افضل، سید فریدالدین (۱۳۹۹). نظارت موضوعی بر آرای داوری (مطالعه تطبیقی در داوری انگلیس و داوری داخلی ایران). پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۴(۱)، ۱۵۱-۱۲۳.
۱۴. مافی، همایون و اسحق، مهشید (۱۴۰۲). موانع شناسایی و اجرای رأی داوری در کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ۱۹۵۸ و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ۱۳۷۶. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۷(۱)، ۱۵۱-۱۶۸.
۱۵. ناطق مطلوب، مصطفی صالح (۲۰۱۸). العراق وتنفيذ أحكام التحکیم التجاري الأجنبي، العقبات والحلول. مجله جامعه تکریت للحقوق، ۲(۴)، الجزء ۲، ۱۴-۱۶.
۱۶. ناطق مطلوب، مصطفی صالح (۲۰۱۲). مبدأ استقلال اتفاق التحکیم التجاري. مجله الرافدين، جامعه الموصل، کلیه الحقوق، ۱۲(۲)، ۱۰-۴۶.

ج) رساله‌ها

۱۷. وجدان شاکر کاظم (۲۰۱۸). النظام القانوني للتحکیم فی حل منازعات العمل. رساله ماجستير، جامعه النهرین.
۱۸. یونس، باسم سعید (۱۹۹۰). التحکیم الاختیاری وسیله لفصل منازعات العقود الدولیه، دراسه مقارنة. رساله ماجستير مقدمه إلى کلیه القانون، جامعه بغداد.

۲-۵. منابع لاتین

A) Books

1. Bantekas, I., Hamad Bin, Kh., Pietro, O. & Shahla A. (2020). *UNCITRAL Model*



- Law on International Arbitration*. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Blackaby, N. & Constantine, P. (2015). *Alan Redfern and Martin Hunter on International Arbitration*. Sixth Edition. United Kingdom: Oxford University Press.
 3. Dörr, O. & Kirsten, S. (2018). *Vienna Convention on the Law of Treaties: A Commentary*. Second Edition. Springer-Verlag GmbH Germany.
 4. Moens, A. G. & Philip, E. (2015). *Arbitration and Dispute Resolution in the Resources Sector*. Switzerland: Springer International Publishing Switzerland.
 5. Moses L. M. (2008). *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*. Cambridge: Cambridge University Press.
 6. Najjar, N. (2017). *Arbitration and International Trade in the Arab Countries*. Brill | Nijhoff.
 7. Noussia, K. (2010). *Confidentiality in International Commercial Arbitration: A Comparative Analysis of the Position under English, US, German and French Law*. Berlin: Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
 8. Onyema, E. (2010). *International Commercial Arbitration and the Arbitrator's Contract*. New York: Routledge.
 9. Tang Zheng, S. (2014). *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*. New York: Routledge.
 10. Zekos I. Georgios. (2008). *International Commercial and Marine Arbitration*. New York: Routledge-Cavendish.

B) Articles

11. Abu Sadah, Muhammad. & Simon, Norton. (2018). The Application of UNCITRAL Model Law Principles in the Middle East Region. *Arab Law Quarterly*, 22(3). 219-269.
12. El-Ahdab, A. H. (1995). The New Egyptian Arbitration Act in Civil and Commercial Matters. *Journal of International Arbitration*, 12(2), 65-101.
13. Rajah, SC, V. K. (2025). Courting Global Commerce: The Shifting Dynamics Between International Arbitration and International Commercial Courts. *Journal of International Arbitration*, 42(2), 141–206.
14. Veeder, V.V. (2010). Is there a Need to Revise the New York Convention?. *Journal of International Dispute Settlement*, 1(2), 499–506.

In Persian and Arabic

A) Book

1. Ahmed Suleiman, Sh. (1981). *Arbitration in Disputes Concerning the*



- Implementation of the General Economic Plan*. Baghdad: Al-Rasheed Publishing House.
2. Al-Douri, Q. (1985). *The Arbitration Agreement in Islamic and Positive Law*. 1st ed. Baghdad: Al-Khuloud Press.
 3. Al-Nadawi, A. W. (1989). *Civil Litigation*. Baghdad: University of Baghdad, College of Law.
 4. Hatim al-Hasan, A. R. (2010). *Arbitration in Sharia and Law*. 1st ed. Najaf al-Ashraf: Al-Nibras Foundation for Printing and Publishing.
 5. Joneydi, L. (1999). *nqd w brrsa ttbaqa qanwn dawra tjara ban almlla [A Comparative Review of International Commercial Arbitration Law]*. Tehran: Faculty of Law and Political Science Publications.
 6. Sami, F. M. (1994). *International Commercial Arbitration*. 1st ed. Baghdad: Bayt al-Hikma.

B) Articles

7. Al-Ajili, H. Kh. B. (2012). Proposal to Amend the Iraqi Arbitration Law. *Journal of Engineering and Development*, 16(2), 19-45.
8. Ghanavati, J. & farideddin, A. (2000). nezart mwdw'ea br araa dawra (mtal'eh ttbaqa dr dawra angulas w dawra dakhla aaran) [The Review of the Question of Fact on Arbitral Awards Comparative Study: Arbitration in England v. Domestic Arbitration in Iran]. *Faslnameh Pazhouhesh-haye Hoghugh-e Tatbiqi (Quarterly of Comparative Law Studies)*, 24(1), 123-152.
9. Hazboun, G. (2001). The Role of the Arbitral Tribunal in Domestic and International Private Arbitration Proceedings. *Dirasat: Shari'a and Law Sciences*, 28(2), 15-34.
10. Hazboun, G. (2002). Judicial Review of International Private Arbitration Awards. *Journal of Shari'a and Law Studies*, 29(1), 17.
11. Elmi, H., Shahbazinia, M., Issaei Tafreshi, M., & Sadeghi Moghaddam, M. H. (2012). slahat ashkhas braa rjw'e bh dawra tjara ban almlla (ba takead br hqwq aaran) [Capacity of Persons to Resort to International Commercial Arbitration (With Emphasis on Iranian Law)]. *Faslnameh Pazhouhesh-haye Hoghugh-e Tatbiqi (Quarterly of Comparative Law Studies)*, 16(4), 125-146.
12. Issa, Y. Z. (2015). The Arbitration Agreement: Its Forms and Conditions of Validity. *Journal of the Holy Quran University and the Foundation of Sciences, Deanship of Scientific Research*, 1, 10.



13. Mafi, H. & Eshaghi, M. (2023). Obstacles to Recognition and Enforcement of New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958) and International Commercial Arbitration Act of Iran (1995). *Pazhouhesh-haye Hoghugh-e Tatbiqi (Comparative Law Quarterly)*, 7(1), 151-168.
14. Natiq Matloub, M. S. (2018). Iraq and the Enforcement of Foreign Commercial Arbitration Awards: Obstacles and Solutions. *Tikrit University Journal for Rights*, 2(4, Part 2), 14-16.
15. Natiq Matlub, M. S. (2012). The Principle of the Independence of the Commercial Arbitration Agreement. *Al-Rafidain Journal, University of Mosul, College of Law*, 12(43), 9.
16. Shariat Bagheri, M. J. (2001). Effects of the accession of the Islamic Republic of Iran to the 1958 New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards. *Majaleh Hoghugh-e Dadgostari (Justice Legal Journal)*, 36, 49-96.

C) Thesis

17. Wijdan Shakir, K. (2018). *The Legal Framework for Arbitration in Resolving Labor Disputes*. Master's Thesis. Al-Nahrain University.
18. Younis, B. S. (1990). *Voluntary Arbitration as a Means of Resolving International Contract Disputes: A Comparative Study*. Master's thesis submitted to the College of Law. University of Baghdad.